

تقسیم سال به ماه



شماره روزهای ماه و سال، در ادوار مختلفه، نزد ایرانیان متفاوت بوده از کتب تاریخ و نامه های باستان چنین برمیآید که سال شمسی ۳۶۵ روزه در ایران قدیم معمول نبوده است

گمان میرود ایرانیان پس از جدائی از برادران خود هندوان، و آمدن به سر

زمین ایران مدتها، مانند هندوان کنونی، ماههای پانزده روزه ای داشتند که قبلا بین اقوام هندوایرانی متداول بود.

شواهد بسیاری در دست است که تماس ایرانیان

با اقوام متحدین سامی نژاد چون کلدانیها، آشوریها، مصریها و غیره سبب شد سال قمری ۳۵۴ روزه بین ایرانیان معمول گردد.

پس از ایرانیان سال ۳۶۰ روزه را که تقریباً متوسط

سال قمری ۳۵۴ روزه و سال شمسی ۳۶۵ روزه است اقتباس کردند و با تقسیم ماه به سی روز، فصول چهارگانه را با ماه مشخص نمودند. شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جمعی از علماء مانند مارکوات و گری (Gray) و غیره معتقدند

که سال خورشیدی ابتدا از دوره هخامنشیان معمول گردیده است و در این دوره پنج روزی را که به ۳۶۰ روز سال میافزودند بنام پنج گانه های زرتشت نامزد کرده، انرا ویژه یاد آوری روان گذشتگان قرار دادند.

ایرانیان، بهرور ایام، به لزوم رعایت کبیسه، بی بردند و باین منظور

ابتدا بر هر چهار سال یک روز میافزودند ولی بعداً بعلمت دینی در هر ۱۲۰ سال یک ماه کبیسه میگویند و انرا سال بهمیزک، مینامیدند.

حملة نازبان بایران و مرسوم شدن سال قمری سبب شد که رعایت کبیسه فراموش گردد. این وضع ادامه داشت تا اینکه دولت ایران تقویم خورشیدی را در کشور رسمیت داد و زرتشتیان نیز بکوشش روانشاد، ارباب کیخسرو شاهرخ، و انجمن زرتشتیان تهران، برفع نقص تقویم خود، با رعایت کبیسه چهارساله موفق گردیدند.

۶- تکامل

الف - در ایران قدیم: ایرانیان پس از مطالعات ممتد و دقیق دریافته اند که بگنجد کامل گردش زمین بدور خورشید بیش از ۳۶۵ روز و ربع طول میکشد و سال را ۳۶۵ روز و ۶ ساعت و ۱۲ دقیقه و ۹ ثانیه حساب کردند.

بقول، البیرونی، و مؤلف زیج سنجری، مجموع این کشور بعد از ۱۱۶ سال یکماه میشد که ایرانیان بر سال آخر افزوده، انرا ۱۳ ماه میگرفتند.

بعقیده، گری، (Gray) این قسم گاه شماری ایرانیان نفوذ زیادی در تقویم ارمنیها، کپدوکیها، البانیها و سایر کشورهای همسایه ایران باستان داشته است.

اگر چه چند نفر از امپراطوران روم مانند ژوایوس، اگوستوس، و غیره درصدد اصلاح تاریخ شمسی، در اروپا، برآمده ولی یکی از پایه های روم بنام گریبکوار سیزدهم، در سنه ۹۹۰ میلادی روشی اختیار کرد که از همه ساده تر و عملی تر بود. بدین طریق که یک روز بر هر چهار سال میافزود و برای محاسبه کسور دقایق ان یکسال ۳۶۵ روزه را بر هر قرن و نیز یکسال ۳۶۶ روزه را بر هر چهار قرن اضافه میکرد.

ج- در ایران بعد از اسلام (روش تقویم جلالی) در سال ۳۱۷ هجری قمری سلطان جلال الدین ملک شاه سلجوقی و وزیرش خواجه نظام الملک بکمک

بجای افزودن یکروز بسال سی و دوم این کار را نسبت
به سال سی و سوم اجرا نمایند .

سال ۴۷۱ هجری قمری مبداء تاریخ جلالی است .
پیروی این تقویم بزرگترین ایران و هند نیز توصیه
شد ولی آنان به علت اشکالات مذهبی ، که در نتیجه تغییر
تقویم ایجاد میگردد ، از پذیرفتن آن سر باز
زدند و به همان رسم معمول خود بدون رعایت کبیسه ،
باقی ماندند .

منجمین و ریاضی دانان ایران مانند حکیم عمر خیام
بشابوری ، عبدالرحمن خازنی ، حکیم لوگری ،
ابوالمظفر اسفزاری و میمون بن نجیب واسطی تقویمی
بنام تقویم جلالی ترتیب دادند و برای استقرار سال
شمسی روشی اختیار کردند ، که از تمام روشهای سابق ،
چه در ایران و چه در رم ، بهتر و عملی تر بود .
طبق این روش قرار شد در هر چهار سال ،
سال چهارم را ۳۶۶ روز حساب کنند و پس از ۸ دوره

آغاز سال خورشیدی

پیدایش نوروز

و از آنجائیکه در میان هندوان ، حتی امروز نیز ،
سال خورشیدی معمول نیست نمیتوان بطور یقین
تأسیس سال خورشیدی را در ایران به جمشید
نسبت داد .

سال خورشیدی را ایرانیان کشف کردند

نام بنیادگذار حقیقی سال شمسی بدرستی بر ما آشکار
نیست ولی در اینباره این اہتکار از ایرانیان بوده است
شکی وجود ندارد .

زمانی که تمام کشورهای متقدم جهان سال قمری
را پیروی میکردند و ستاره شناسان معروف بابل و
مصر خود را یگانه عالم اسرار فلک و واقف سیر
ستارگان میدانستند ، ایرانیان ، بدون کمک ذبیح و رصد
خانه های عظیم و تلسکوپهای قوی ، بی باین راز بزرگ
طبیعت برده ، با مطالعات متد و دقیق خود مدت
یک دوره گردش زمین بدور خورشید را کشف کردند و
برای نخستین بار ، در تاریخ بشر ، تقویم سال شمسی
را بوجود آوردند .

علت اصلی توفیق ایرانیان در این راه چگونگی
آب و هوای این کشور است که فصول چهار گانه سال
بخوبی در آن محسوس و نمودار میباشد .

ایرانیان باستان نخستین ملتی بودند که پیروی
از دستور پیمبر خود « اشوزرتشت » ، با صمیمیت و
علاقه خاصی بامر کشاورزی و آبادانی زمین پرداخته و
زراعت و دام پروری را وظیفه دینی خود دانسته . پس

حکیم عمر خیام در نوروزنامه خود مینویسد :
« و اما سبب نهادن نوروز آن بوده است که چون
بدانستند که آفتاب را دو دور بود ، یکی آنکه هر
سیصد و شصت و پنج روز و ربعی از شبانه روز به
اول دقیقه حمل باز آید ، بهمان وقت و روز که رفته
بود بدین دقیقه نتوان آمدن چه هر سال از مدت کمی
کم شود و چون جمشید آروز را دریافت نوروز نام
نهاد و جشن آئین آورد و پس از آن پادشاهان و دیگر
مردمان باو اقتدا کردند چون آن وقت را ملکان
عجم دریافته از بهر بزرگ داشت آفتاب را و از بهر
آنکه هر کس این را در توانستندی یافت ، نشان
کردند و این روز را جشن ساختند و عالمیان را خبر
دادند تا همگان آن را بدانند و آن تاریخ را همگان
دارند و بر پادشاهان واجبست آئین و رسم ملوک
بجای آوردن از بهر مبارکی ، و از بهر تاریخ را
و خرمی کردن باول سال ، هر که روز نوروز جشن
کند و بخرمی پیوندد ، تا نوروز دیگر عمر در شادی
و خرمی گذارد و این تجربت را حکماء از برای
پادشاهان کرده اند . »

اگر چه طبق مندرجات فوق و نوشته های دیگر
مورخین ایران ، آغاز سال خورشیدی را هم مانند بنای
قصر داربوش هخامنشی جمشید نسبت میدهند ولی این
نکته مسلم است که جمشید تنها پادشاه یا قهرمان ایرانیان
نبوده است و ذکر نامش در کتب « ودای » برهمنان
دلیل واضحی بر وجود او در دوره هند و ایرانیهاست

۱ - دکتر ، وست ، پهلوی دان معروف و طرفدارانش معتقدند که : در اواخر سلطنت داریوش (حدود سال ۵۰۵ پیش از میلاد) هنگامی که ماههای اوستائی (فروردین ، اردیبهشت ... اسفند) جایگزین ماههای هخامنشیان شد سال شمسی کیسه دار در ایران معمول گشت .

۲ - دانشمند آلمانی ، گوت شمید ، و طرفدارانش حدس میزنند که در زمان داریوش دوم (۴۱۹ پیش از میلاد) این ترتیب گاه شماری معمول شده است .

۳ - بیرونی ، در کتب خود (آثار الباقیه و قانون مسعودی) و همچنین مؤلف کتاب « منتهی الادراک » روایت میکنند که کیسه ۱۲۰ ساله را زرتشت برقرار نموده و امر بر رعایت و اجرای آن داده است .

لازم دیدند ، برای تسهیل و تنظیم کار و کشت و زرع تقویمی را پیروی کنند که با فصول سال برابر باشد و بتوانند با آسانی حساب روزهای افشاندن بذر ، برداشت خرمن و زایش گاو و گوسفند خود را نگهدارند .

پس از حمله تازیان ، و معمول شدن سال و ماه قمری در ایران ، کشاورزان تنها از لحاظ مذهبی آنرا پذیرفتند و در امر کشت و زرع پیروی از همان امین باستانی خود میکردند . خلفای اسلام باین جهت ، خود را مجبور دیدند تاریخ اخذ مالیات را از روی تقویم خورشیدی تعیین نمایند .

بنیاد سال خورشیدی در ایران از کیست؟

دانشمندان و مستشرقین ، با اتفاق آراء ، عقیده مشوب به دن سال خورشیدی بجهت رسیدن را مردود میدانند . درباره بنیادگذار حقیقی آن عقاید متفاوتی دارند .

سال خورشیدی بعد از ساسانیان

رعایت کیسه

۱ - زمان هشام بن عبدالملک :

بقول بیرونی در زمان هشام بن عبدالملک خلیفه موی (۱۰۵-۱۲۵ هجری قمری) دهاقین ابران شکایت خلیفه بردند که بعلت مراعات نشدن کیسه فروردین و ماه از فصل بهار جلوتر افتاده و هنگامیکه عمال خلیفه بنا بر عادت دیرین برای وصول مالیات میآیند نو خرمن خود را برداشت نکرده اند و تقاضای نمودند که خلیفه نیز چون شاهان عجم ، امر با اجرای کیسه دهم فروردین را دو ماه عقب برگرداند . ولی هشام رأی نکرده چنین اجازه ای صادر کند .

۲ - زمان متوکل عباسی :

بیرونی و طبری هر دو متوکل عباسی را اولین کسی میدانند که بعد از ساسانیان باصلاح سال خورشیدی و اجرای کیسه پرداخته است و تأسیس سال خراجی را در دربار خلفا ، برای وصول مالیات ، بسا و نسبت می دهند .

۳ - زمان المعتض بالله :

المعتض بالله در سال ۲۸۲ هجری قمری کیسه ای نظیر کیسه رومی اتخاذ نمود که بسال معتضدی معروف گشت و مدتی این روش برای امر مالیات در جریان بود .

۴ - زمان خلافت هرون الرشید :

در زمان خلافت هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ قمری) زارعین ایران به یحیی بن خالد برمکی (وزیر رانی خلیفه) متوسل و خواستار شدند که نوروز را ماه عقب تر ببرد . وزیر چون خواست اقدام کند منانش او را متهم ساختند که تعصب زرتشتی دارد و از این اقدام منصرف شد (رجوع شود بگناه شماری ایران قدیم تألیف حسن تقی زاده صفحه ۱۵۶) .

۵ - سال جلالی :

مهمترین اقدامی که بعد از اسلام برای اصلاح سال خورشیدی و استقرار فروردین در اول بهار بعمل آمد ایجاد سال جلالی توسط سلطان جلال الدین مانکشاہ سلجوقی در سال ۴۷۱ هجری قمری بود که ذکرش گذشت .

۶ - معمول شدن ماههای ایران باستان :

هر چند ماههای اوستائی (فروردین تا اسفند)

پس از ساسانیان بکلی در ایران منسوخ نشد و عده ای از ملوک طوایف و کشاورزان بعضی نقاط آنرا نگه میداشتند ولی مهمترین اقدام رسمیت دادن بآن در زمان شاه فقید رضا شاه پهلوی بعد آمد و بحکم قانون ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ سال هجری شمسی سال رسمی کشور ایران شد و اسامی ماههای قدیم ایران احیاء گردید ولی بجای ماههای سی روزه و پنجه آخر سال شش ماه اول را ۳۱ روزه و ۵ ماه بعد را ۳۰ روزه و ماه آخر را بجز در سالهای کبیسه ۲۹ روزه قرار داده و سال را براساس حساب نجومی در هر سال مانند تقویم جلالی بنا نهادند .

زرتشتیان ایران (بر عکس دوره جلالی) این دفعه فرصت را غنیمت شمرده دست باصلاح تاریخ خود زدند و جشن نوروز را طبق تقویم رسمی کشور ، با اورمزد و فروردین ماه آغاز کردند .

مراسم

برگزاری جشن نوروز

حکیم عمر خیام در نوروزنامه خود مینویسد :
 « آئین ملوک عجم ، از گاه کبکخسرو تا بروز گسار
 بزد کرد شهریار که آخر ملوک عجم بود ، چنان بوده
 است که روز نوروز نخست موبدان موبد پیش ملک
 آمدی با جام زرین برمی و انگشتری و درمی و دیناری
 خسروانی و یک دسته خوبد سبز رسته و شمشیری و
 تیر و کمانی و دوات و قلمی و اسبی و بازی و غلام
 خوبرونی و ستایش نمودی و نیایش کردی او را ، بزبان
 پارسی ، بمبارت ایشان . چون موبدان موبد از آفرین
 برداختی پس بزرگان دولت در آمدندی و خدمت نهادی
 پیش آوردندی .

آفرین موبد موبدان -

«شها ! بچشن فروردین و بساه فروردین ازادی
 گزین بر بردان و دین کیان ؛ سروش آورد ترا دانائی
 و بینائی و کاردانی ؛ دبر زبو با خوی هزیر ؛ شاد -
 باش بر تخت زرین ؛ انوشه خور بجام جمشید و رسم
 کسبان ؛ در همت بلند ، نیکوکاری و روش داد و
 راستی ، نگاهدار ، سرت سبز باد ، و جوانی چون خوبد
 (سبز) ؛ اسپت کامکار و پیروز ؛ تیغ روشن و کاری
 بدشمن ؛ بازت گیرا و خجسته بشکار ؛ بارت راست چون

تیر و هم کشوری بگیر نو ؛ بر تخت با درم و دینار ؛
 پشت هنرمند و دانا گرامی و درم خوار ؛ سرایت آباد
 و زندگانی بسیار ،

چون موبد موبدان این بگفتی جاشنی سکردی
 و جام بملک دادی و خوبد در دست دیگر نهادی و
 دینار و درم در پیش تخت او بنهادی و بدین ان
 خواستی که روز نوروز و سال نو هر چه بزرگان اول
 دیدار بر ان افکنند تا سال دیگر شادمان و خرم با
 ان چیزها در کامرانی بمانند و ان بر ایشان مبارک
 گردد . چه که خرمی و آبادانی جهان در این چیزهاست
 که پیش ملک آوردندی .

دستور « پشوتن جی سنجانا » ، از روی يك
 مدرک باستانی راجع به مراسم برگزاری جشن نوروز ،
 می نویسد که :

« ایرانیان باستان ، قبل از آنکه تحویل سال
 واقع شود ، سرا بای خود را يك میشستند ، جامه نو
 می پوشیدند ، با سرودن اوستا و تشریفات مذهبی بر
 سر سفره نوروز ، که به ترتیب خاص ، با شیرینی ، شمع
 امین ، گل ، سبزه ، نقل ، مجراتش و عود و سایر
 اغذیه و اشربه نیکو اراسته شده بود ، بانتظار شنیدن
 کوس و دهل شاهی ، که نشانه پایان سال و آغاز
 نوروز بود ، می نشستند .

چون لحظه نوروز آغاز میشد ابتدا ریش سفید
 یا سالمند ترین عضو خانواده بر خاسته بهر يك از
 اهل خانه ۳ قاشق عسل با ۳ دانه آب نبات یا شیرینی
 دیگر با ۳ سکه زرین یا سیمین و ۳ برک سبز داده
 پانها تبریک نوروزی میگفت .

سپس همه خانواده بر پا ایستاده ، با صدای بلند
 « اوستای تندرستی ، را میسرودند و برای خود و
 بستگان خود ، از اهورامزدا دبر زبوی و نیکنامی و
 شادکامی و فراخ روزی خواستار میشدند .

امروز نیز بین زرتشتیان ایران مراسم نوروز
 تقریباً بهمین ترتیب شروع میشود و جشن تا ۲۱
 روز ادامه دارد .

گویا در زمان باستان ۲۱ روز جشن نوروز
 بهفت بخش سه روزه تقسیم میشد . و هر بخش برای دید
 و بازدید یکی از طبقات مختلفه اجتماع و برگزاری

یکی از جشنهای ماه فروردین اختصاص داشته است. روز اول و دوم برای دبه و بازدید خویشاوندان و بزرگان روز سوم دید و بازدید عمومی و برگزاری جشن «ریتون»، روز ششم جشن «خوردادگان» - روز نهم بارعامشاهی - روز سیزدهم تفریح و گردش روز نوزدهم جشن فروردینگان و روز بیست و یکم خانمۀ نوروژ و تفریح و گردش خارج از شهر.

نا گفته نماند که زرتشتیان هیچگاه بترتیبی که امروز بین ایرانیان مرسوم است، سفرۀ نوروژ خود را با هفت سین نمیآراستند و بعقیده عدهای از دانشمندان این ترتیب بعد از اسلام در ایران معمول شده است. گروهی عقیده دارند که قبل از اسلام ایرانیان سفرۀ نوروژی را با هفت سین چون شمع، شیرینی، شراب، شیر، شربت، شکر و غیره میآراستند و بعداً بعلمت وجود شراب، هفت سین بهفت سین تبدیل شد چون، سرکه، سیر، سنجید، سبزی، سماق و غیره از آنجا بیکه نوروژ، همیشه، یکی از جشنهای

بزرگ ملی ایرانیان و ایام خوشی و شادمانی بوده است، از قدیم، در این جشن در بازارها و خیابانها همه نوع اسباب و آلات موسیقی، اقسام بازیچه های کودکان و انواع اغذیه و اشرافۀ لذیذ و حلویات تازه و رنگین بمعرض فروش گذارده میشد و در همه جا بساط عیش و طرب گسترده بود.

غزالی، در کتاب «کیمیای سعادت» خود در باب سوم میگوید که «مردمان در هید نوروژ و جشن سده بر منکرات تنگنند و در بازارها و گویها علناً چنگ و چفانه و صورت حیوانات و شمشیر و سپر و جویین و بوق سفالین بکودکان فروشند. ارعام دادن شاهان باستان - در نوروژ، بخشودن درم و دینار، لباس، اسب، و ابزار کار بر عایا، اعطای پایه و القاب بخدمتگذاران و جایبازان و ولیران مظاهری زیبا و فراموش نشدنی این جشن بزرگ می باشد.

دوش برگزاری این جشن، در دربار شاهان، و اولین گستردن خوان نوروژی در گاه باستان، بقدری باشکوه و زیننده بود که خلفای تازیان، با آنهمه عداوتی که نسبت به آداب و سنن ملی ایران داشتند،

نخواستند از پذیرفتن آن خودداری کنند. بقول خیام، حتی در این مورد از امین دربار ساسانیان نیز قدم فراتر مینهادند، در نوروژ نامه مندرج است: «ملوک عجم در نوروژ ترتیبی داشته اند در خوان نیکو نهادن هر چه تمامتر بهم روز کار و چون نوبت بخلفا رسید در معنی خوان نهادن آن تکلف کردند که وصف نتوان کرد خاصه خلفای عباسی از اباهای و قلیها و حلواهای گوناگون و فقاغ و نبید نهادند که پیش از ایشان نبود و حلواهای نیکو چون هاشمی و صابونی و لوزینه و اباهای و طبیبخهای نافع و خلفای بنی عباسی هم نهادند و آن همه رسپهای نیکو ایشان را از بلند همتی بوده، در همین دورۀ اسلامی است که بقول آقای تقی -

زاده (گاہ شماری صفحه ۱۵۳) ایرانیان علاقمند باداب ملی شدند و مخصوصاً فرقه شعوبیه امین نوروژ و مهرگان را جزو آداب اسلامی نموده، احادیثی در آن باب روایت کرده، آنها را سنن اسلامی دانستند.

در عجایب المخلوقات قزوینی حدیثی از حضرت رسول ص در فضیلت نوروژ و حلواهای نوروژ، نقل است.

نیریزی در آثار الباقه (صفحه ۲۱۵) ظاهر آهمن حدیث را آورده است.

شیعیان ایران روز نوروژ را روز خلافت حضرت علی شمرده اند. با وجود اینکه این جشنها صرفاً از آن ایران باستان بود، در میان مسلمین کاملاً معروف شد و بدین نحو از زوال مصون ماند.

اشعار و روایات عربی راجع به نوروژ و مهرگان و سده و اخبار آنها در بین مسلمین و مخصوصاً اعراب و دربار خلفا در کتب عربی فراوانست.

جشن ریتون

در ایران باستان سوم فروردین یعنی روز اردیبهشت و فروردین ماه بنام جشن ریتون یا جشن آغاز فصل تابستان بزرگ معروف بوده و در این روز چنانکه اکنون هم در بین زرتشتیان معمولست بگاه نیمروز همه در پرستشگاهها جمع شده در اجرای مراسم یشت ریتون که توسط موبدان بعمل میآمد شرکت میجستند و نماز گاه ریتون را که در مدت ۵ ماه زمستان

(ایان ماه تا اخر اسفند ماه) متروک شده بود از نوآغاز مینمودند.

جشن خرداد و فروردین

بعد از نوروز جشن خرداد و فروردین که مصادف با روز تولد اشو زرتشت است یکی از اعیاد بزرگ این ماه شمرده میشده و نامه های پهلوی حوادث تاریخی بسیاری را باین روز نسبت میدهند از جمله آفریده شدن مشیا و مشیانه (آدم و حوا) پیدایش کیومرث، زائیده شدن هوشنگ، غلبه تمهورت بر دیوان، بخش کردن فریدون کشور خود بین فرزندان، نابود شدن مردم آزار بزرگی بدست سام نریمان، زائیده شدن شاه کیخسرو، کشته شدن افراسیاب دشمن بزرگ ایرانی بدست کیخسرو، بناج و تخت رسیدن اهراسپ، زائیده شدن اشو زرتشت، مبعوث شدن زرتشت به پیغمبری، پذیرفتن گشتاسب و کتابون و فرسوشتر و جاماسب کیش زرتشتی را، نام این جشن را مورخین باختلاف بیان کرده اند. البیرونی در آثار الباقیه این جشن را که ششم فروردین باشد بنام نوروز کبیر میخواند. کوشیار گوید ششم فروردین حب الماء نام دارد. کتاب تقویم آنرا نوروز خاصه میخواند و پارسیان هند این روز را بنام خرداد سال جشن میگیرند و مانند زرتشتیان ایران مراسم ویژه مذهبی بر گزار میسازند و تولد زرتشت پیغمبر بزرگ ایران را بیک دیگر شادباش میگویند.

جشن فروردینگان

روز نوزده فروردین نیز یکی از روزهای جشن

این ماه محسوب میشود و بعلمت اینکه در این روز نام روز و ماه هر دو یکی است بنام جشن فروردینگان معروفست بعلاوه زرتشتیان کنونی مانند باستان پنجه آخر سال را نیز بنام پنجه فروردینگان میخوانند و درین پنج روز که گهنباره همس بت میدیم، باشد پس از سر آمدن آفرینگان پنجه و تعطیلهای را هم که بنام همازور فروردینگان معروفست سروده و در آن بر روان تمام شهریاران عادل و موبدان و خردمندان و پلان و زورمندان و فیروز گران و نیک کرداران ایران درود میفرستند.

مینو خرد فصل ۵۷ نیز فقط پنج روز پنجه آخر سال را فروردین یا فرودگان مینامد. ابوریحان بیرونی جشن فروردینگان را ده روز آخر سال میدانند و مینویسد: این عید ده روز طول میکشید آخرین پنج روز اسفند ماه را نخستین فرودگان و پنجه و رادومین فرودگان میگفته اند. متقوالست که خسرو انوشیروان در مدت ده روز جشن فروردینگان سفیر امپراطور روم را بحضور بقدرت چه مشغول بجا آوردن مراسم جشن بود. زرتشتیان ایران پنج روز ماه اسفند را پنجه که (کوجک) و پنج روز کبیر را پنجه مه یا پنجه وه مینامند و پارسیان هند این ده روز را بنام هوکتاد جشن میگیرند. کتاب تقویم روز ۱۹ فروردین را نوروز خوانده شاه مینامد.

رستم شهزادی .



در هنگامیکه توای مزدا در روز نخست از خرد خویش بشرو دین و قوه اندیشه آفریدی در هنگامیکه زندگانی را بقالب مادی در آوردی و قتیکه تو کردار واراده (آفریدی) خواستی هر کس بحسب اراده خود از روی اعتقاد باطنی رفتار کند.

کاتها ۳۱ . قطعه ۱۲ . فقره ۱۱